

The Desired Image of Islamic Civilization, The Requirements and Results of Its Realization

Seyyed Abbas Safavi *, Ali Mohammad Ahmadvand **

Abstract

The issue of civilizations is one of many topics that can accommodate all human sciences, and it can be said that all scientific efforts of man and societies to reach civilization and development are intellectual and social. In fact, civilizations are not formed in a short time and time; on the other hand, each civilization is dependent on allegiances and intellectual foundations that rise and thrive in its context. Each civilization needs to be found and succeeds for basics and requirements that are due to the attention of those principles and principles and compliance with those requirements; On the other hand, for the accompaniment of individuals in addition to the attention of the principles-based principles, at the same time, the perspective of what comes from the realization of civilization will be drawn. In this research, with the aim of identifying and visualizing Islamic civilization and its access frameworks towards reviewing the views and principles expressed among the scholars and verses and Islamic narratives, with the approach of library studies and with content analysis and meta-analysis Quality in the first step towards statistics and categorizing theories in the three main parts (requirements of the realization of civilization, the barriers to the realization of civilization and the results of civilization) have been discussed in the form of a process of processing (inhibition of realization, deterrent factors and deployment results).

Keywords: Civilization, Islamic Civilization, Fulfillment Requirements, Factors of Degeneration.

* Corresponding author: MA in Industrial Engineering, University of Ivan Kay, Tehran, Iran

** Full Professor, Systems Department, University of Ivan Kay, Tehran, Iran

شاپا چاپی: ۳۶۷۴ - ۲۷۱۷
شاپا الکترونیکی: ۳۶۶۶ - ۲۷۱۷

نشریه علمی
آینده پژوهی انقلاب اسلامی

(زمستان ۱۴۰۰، سال ۲، شماره ۴: ۲۰۶ - ۱۷۷)



تصویر مطلوب تمدن اسلامی، الزامات و نتایج حاصل از تحقق آن

سید عباس صفوی*، علی محمد احمدوند**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده

بحث تمدن از موضوعات بسیار وسیعی است که می‌تواند همه مباحث علوم انسانی را در خود جای دهد و می‌توان گفت همه تلاش‌های علمی بشر و جوامع برای رسیدن به تمدن و رشد و بالندگی فکری و اجتماعی است. در واقع تمدن‌ها در یک فرصت و زمان کوتاه به وجود نمی‌آیند؛ از سوی دیگر هر تمدن، وام‌دار وابسته به تعلقات و پایه‌های فکری است که برخاسته و در بستر آن رشد و نمو نموده است. هر تمدن برای شکل‌گیری و موفقیت نیازمند مبانی و الزاماتی است که در اثر توجه به آن اصول و مبانی و رعایت آن الزامات، به بالندگی می‌رسد؛ از سوی دیگر برای همراهِ سازی افراد علاوه بر توجه به اقتناع و تربیت مبتنی بر اصول بیان شده در عین حال بایستی چشم‌اندازی از آنچه حاصل از تحقق تمدن به دست خواهد آمد را ترسیم نمود. در این تحقیق با هدف شناسایی و تصویر مسلوب تمدن اسلامی و چارچوب‌های دست‌یابی به آن نسبت به بررسی نظرات و اصول مختلف بیان شده در میان اندیشمندان و آیات و روایات اسلامی، با رویکرد مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با روش تحلیل محتوا و فراتحلیل کیفی در گام اول نسبت به احصا و دسته‌بندی نظریات در سه بخش اصلی (الزامات تحقق تمدن، موانع تحقق تمدن و نتایج تحقق تمدن) در قالب یک نگاه فرآیندگرا (الزامات تحقق، عوامل بازدارنده و نتایج استقرار) پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: تمدن؛ تمدن اسلامی؛ الزامات تحقق؛ عوامل انحطاط.

Nasir.safavi@gmail.com

A.ahmadvand@eyc.ac.ir

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه ایوان کی، تهران، ایران

** استاد، گروه سیستم‌ها، دانشگاه ایوان کی، تهران، ایران.

مقدمه

از آنجایی که تمدن‌شناسی گامی مؤثر در جهت تمدن‌سازی و خروج از سلطه تمدن‌های دیگر است و در راستای تشخیص کارآمدی نظام‌های اندیشه‌ای مؤثر واقع می‌شود، چنین به نظر می‌رسد که ارائه بارزترین شاخص‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی بتواند گامی مؤثر در راستای تمدن‌سازی و خروج از سیطره تمدن غربی و دیگر تمدن‌ها و در عین حال کمک به تحقق و استمرار و بالندگی بیش از پیش این تمدن باشد. تمدن اسلامی و شاخص‌هایش اگر به صورت جدی مرکز توجه و فعالیت قرار گیرند و از غفلت نسبت به آن‌ها خودداری شود، ضمن ایجاد تحولی عمیق در جامعه انسانی، مجموعه‌ای از اندوخته‌های مادی و معنوی جهت نیل انسان به کمال مطلوب به بشریت عرضه خواهد نمود؛ بنابراین شناخت شاخص‌های ساخت تمدن اسلامی از منظر الزامات تحقق تمدن اسلامی از یک سو و هم‌چنین شناخت موانع شکل‌گیری تمدن اسلامی از سوی دیگر، آمادگی لازم برای برنامه‌ریزی جهت تحقق و پیاده‌سازی تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد و در عین حال برای ایجاد اشتیاق در میان برنامه‌ریزان و هم‌چنین پیاده‌کنندگان، بیان نتایج (آینده قابل تصویر از تمدن) نیز ضروری خواهد بود؛ در نتیجه در این پژوهش شاخص‌های بیان‌شده از نگاه متفکرین گوناگون بررسی و سپس مدل نهایی آن ارائه خواهد گردید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در خصوص تمدن اسلامی و عوامل و الزامات شکل‌گیری و نتایج آن، در مقالات مختلف وجوه مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته است. هر یک از نویسندگان بعضاً به برخی از این اصول پرداخته‌اند:

جدول ۱. عوامل و الزامات شکل‌گیری تمدن اسلامی و نتایج آن

نویسندگان	موضوع و اهداف	مهم‌ترین یافته‌ها و تحلیل
درزی (۱۳۹۹)	بررسی عوامل مؤثر بر انحطاط تمدن اسلامی	شش عامل مؤثر بر انحطاط را از نگاه سیدحسین نصر بررسی کرده است.

نویسندگان	موضوع و اهداف	مهم‌ترین یافته‌ها و تحلیل
زمانی (۱۳۹۵)	تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)	با بررسی نظریات امام، هفت عامل زمینه‌ساز را بیان نموده است (برخی عوامل فاقد ویژگی زمینه‌سازی است)
تقی‌نیا و صوفی (۱۳۹۳)	بررسی شاخص‌های تمدن اسلامی از دیدگاه آیات و روایات	برخی از شاخصه‌های تمدن اسلامی (۵) شاخص از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار گرفته است (لیکن شاخص‌های ساخت (الزامات) و شاخص‌های نتایج بدون تفکیک و در کنار هم آمده است، ضمن آنکه شاخص‌ها نیز ناقص است.
اکبری و رضایی (۱۳۹۴)	شاخص‌های تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری	یازده شاخص بیان شده است که موارد مرتبط با الزامات تحقق و نتایج تحقق در کنار هم مطرح شده و دسته‌بندی نشده است.
رهدار (۱۳۹۳)	تأمل در امکان و مفهوم تمدن اسلامی در عصر غیبت	امکان‌پذیری بودن تشکیل تمدن اسلامی در زمان غیبت و هم‌چنین صورت‌های مختلف تمدن، بررسی شده است.
محبوب (۱۳۹۵)	بررسی مؤلفه‌های تمدن اسلامی	ده عامل توسط نویسنده بررسی شده که هم‌پوشانی در مفاهیم داشته و عوامل فردی را در کنار عوامل اجتماعی بدون دسته‌بندی آورده است.

بررسی منابع مشخص می‌کند که در منابع مورد بررسی، به‌طور جامع به مؤلفه‌ها به‌صورت فرآیندی - یعنی عوامل قبل از تحقق (در قالب الزامات و موانع) - و نتایج تحقق تمدن - یعنی تصویر آنچه در پیش رو در صورت استقرار تمدن اسلامی به‌وجود خواهد آمد - پرداخته نشده است. هم‌چنین اکثر مقالات دسته‌بندی دقیق و منسجمی نداشته و عوامل را بدون انسجام لازم بیان نموده‌اند؛ لذا جمع‌بندی همه نظریات و ایجاد یک چارچوب جامع و پیوسته در این زمینه در این مقاله دنبال خواهد شد.

واژه تمدن^۱ از لغت لاتینی سیویس^۲ به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت استفاده شده است که یا دستاورد شهرنشینی است یا برای سنجش پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی است که در شهرها زندگی می‌کنند. یونانیان با استفاده از این واژه، شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی^۳ می‌دانستند. در فرهنگ فارسی تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشناسدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹). به تعبیر دیگر تمدن در عربی از «مدن» اخذ شده است که معنای آن اقامت کردن است (ولایتی، ۱۳۸۴).

تمدن در لغت به معانی گوناگونی وارد شده است که مهم‌ترین آن تمدن به معنای شهرنشین و اقامت در شهر است؛ بنابراین به شهرآیینی و حسن معاشرت، تمدن گویند. فرهنگ‌های لغت زندگی متمدن در برابر زندگی بربرهای وحشی که فاقد زندگی شهرنشینی بوده‌اند را وجه تمایز دنیایی متمدن با غیر آن دانسته‌اند و به معنای اقامت در شهر است. برخی دیگر از لغت‌شناسان آن را به معنای خوگرفتن با اخلاق و آداب شهریان دانسته‌اند در نتیجه می‌توان تمدن را در لغت به معنای شهرنشینی زندگی کردن و از حالت بیابان‌نشینی و خشونت به حال شهرنشینی گراییدن در نظر گرفت (معین، ۱۳۶۵).

عبارت علامه جعفری در بیانی تمدن را چنین معنا کرده است: «تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت» (جعفری، ۱۳۵۹).

ویل دورانت از جمله نویسندگانی است که به این برتری تمدن اسلامی و تأثیرش بر تمدن غربی چنین اشاره می‌کند: «اسلام طی پنج سده از لحاظ نیرو و نظم، بسط قلمرو، اخلاق نیک، تکامل سطح زندگانی، قوانین منصفانه انسانی، تساهل دینی، ادبیات، تحقیق علمی، طب و فلسفه

^۱ civilization

^۲ civis

^۳ civilization

پیشاهنگ جهان بود. دنیای اسلام در جهان مسیحی نفوذهای گوناگون داشت. اروپا از دیار اسلام، غذاها و شربت‌ها، داروها و درمان، اسلحه، نشان‌های خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و رسوم صنعت و تجارت و قوانین و رسوم دریانوردی را فرا گرفت و غالباً لغات آن را نیز از مسلمانان اقتباس کرد. علمای مسلمان ریاضیات را به اروپا انتقال دادند» (دورانت، ۱۳۴۳، ص ۳۲۲).

تمدن اسلامی با مجموعه‌ای از قوانین دینی که برگرفته از قرآن و سنت است، شامل همه ابعاد زندگی و دقایق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی می‌شود و به همین دلیل توانست طی قرون متمادی جامعه را به سمت تکامل هدایت نماید. از طرف دیگر این قواعد دینی با اصول طبیعی حیات بشری مطابقت داشت و از این جهت توانست در مدت زمانی کوتاه، محدوده مکانی و جغرافیایی تمدن اسلامی را بسط و گسترش دهد؛ به طوری که تا پایان قرن اول هجری از هندوستان تا اقیانوس اطلس و از قفقاز تا خلیج فارس پرچم اسلام به اهتزاز درآمد (بلاذری، ۱۳۶۷).

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد، تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد ... بدین ترتیب، تمدن اسلامی همه ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را دارد و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳).

در اندیشه امام (ره) مفهوم تمدن در قالب تعریف مشخص و ثابتی ارائه نشده است و معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. ایشان تمدن را از فرهنگ متمایز کردند و آن‌ها را جداگانه به کار بردند که نشان می‌دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم مورد توجه داشته‌اند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد». ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن می‌دانند. تعریفی که امام (ره) درباره تمدن بیان کرده‌اند، بیانگر دستاوردهای مادی بشر برای ادامه زندگی و توسعه و ترقی است. در این تعریف، فرهنگ که بیشتر شامل دستاوردهای معنوی انسان می‌شود،

مقدم بر تمدن است (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱).

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند، به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است و زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد؛ انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲).

ویژگی دیگر تمدن اسلامی، جهانی‌بودن آن است (مطهری، ۱۳۵۹). تمدن اسلامی در عین پذیرش فرهنگ و تمدن ملل مختلف، نه تمدن ناسیونالیستی است و نه به هویت ملی انسان‌ها بی‌تفاوت است (مطهری، ۱۳۵۹). از نظر شهید مطهری، بشر به حکم اینکه خلیفه الله است، باید تمدن را با نقشه، طرح و ابداع خود بسازد (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۱). اینکه صرف مسلمانان از تمدن و فرهنگ اروپایی انتقاد کرده و از فرهنگ اسلامی تمجید کنند یا اینکه تصور کنند فرهنگ و روح اسلامی همان است که امروزه جریان دارد و جهانیان باید از آن‌ها پیروی کنند، حرکتی از پیش نمی‌برد. چه بسا در این شرایط، اگر سایر مردم از مسلمانان پیروی کنند، آن‌ها نیز هم‌چون مسلمانان به صورت «نیمه‌مرده» در خواهند آمد (همان، ج ۲۵). شهید مطهری معتقد است با آنکه تمدن اسلامی نابود شده، اسلام به صورت نیرویی زنده، فعال و گسترش‌یابنده باقی مانده و با نیرومندترین جریان‌های نوظهور اجتماعی و انقلابی رقابت می‌کنند (همان، ج ۱).

شهید مطهری معتقد است علما درباره علل پیدایش و گسترش تمدن اسلامی دو علت اساسی ذکر کرده‌اند (همان، ج ۲۴). تشویق وافر اسلام به تفکر، تعلیم و تعلم که برآمده از متن قرآن است؛ اسلام توانست از ملت‌های مختلف نامتجانس وحدتی عظیم به وجود آورد. از نظر شهید مطهری، همه اشخاص بی‌غرض تأیید کرده‌اند که ریشه پیدایش تمدن عظیم اسلامی تشویق فوق‌العاده اسلام به تحصیل علم بود (همان، ج ۲۲).

درخصوص سیر تمدن اسلامی باید گفت که این روند، یک حرکت به هم پیوسته است که از دوران انبیا شروع می‌شود و تا دوران غیبت و پس از غیبت استمرار می‌یابد:

الف) تمدن انبیا: ابراهیم (ع) وارد یک بلدی می‌شود و از خدا می‌خواهد در این بلد تمدن عبادی شکل بگیرد و از این بلد، تمدن‌سازی شروع می‌شود. ابراهیم (علیه‌السلام) دو فرزند داشت که ادامه تمدن انبیا از فرزند اول او سماعیل است. ابراهیم (علیه‌السلام) برای تمدن‌سازی، ابتدا آب آورد، یعنی برای شکل‌دهی به تمدن معنوی از مظاهر مادی غافل نبود. در یک تمدن، مادیت و معنویت با هم ممزوج است. سایر انبیا از موسی (علیه‌السلام) تا داوود (علیه‌السلام) و دیگر انبیا، همگی در این خط سیر حرکت نمودند، لیکن میزان تبعیت مردم از تعالیم انبیا در شکل‌گیری تمدن و عمق بخشی بدان مؤثر بوده است (محرمی، ۱۳۸۲).

ب) تمدن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام): پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آغاز تمدن‌سازی، بلد امن را پایه‌ریزی می‌نماید، چنانکه در قرآن بیان شده است بلدالامین از نام‌های قرآنی مکه و بیانگر احترام فوق‌العاده و قداست و امنیت این سرزمین مقدس است. این عبارت در قرآن کریم آمده و خداوند در سوره تین به آن قسم یاد کرده است. بعضی از مفسران قسم یاد کردن قرآن به بلدالامین را اشاره به شرافت ویژه مکه و ظهور اسلام در آن دانسته‌اند (جعفری، ۱۳۷۱). از سوی دیگر در روایات، بلدالامین به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام) تعبیر شده است و ایشان به‌عنوان ارکان‌البلاد شناخته شده‌اند (خاتمی، ۱۳۸۲). اهل بیت (علیهم‌السلام) خورشید هستند و واسطه فیض ایشانند و هر نعمتی و عنایتی از طریق این خورشید عالم تاب به جهانیان می‌رسد. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید «الشَّمْسُ رَسُولُ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بِهِ أَوْضَحَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلنَّاسِ دِينَهُمْ» «الشَّمْسُ» رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که خداوند با او دین مردم را برای‌شان آشکار کرد (برازش، ۱۳۹۶، ج ۱۸، ص ۱۳۴). امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: الشَّمْسُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه‌السلام) وَ ضُحَاهَا قِيَامُ الْقَائِمِ (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف)؛ خورشید، امیر مؤمنان (علیه‌السلام) است و تابندگی آن، قیام حضرت قائم (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) (برازش، ۱۳۹۶، ج ۱۸، ص ۱۳۴).

ج) همه چیز به دست اهل بیت (علیهم‌السلام) است. هم صفات فعل دارد، هم صفات خالقیت

دارد، امام در شب قدر مقدرات همه را (دوست و دشمن) را تعیین می کند (بنی امیه هزار ماه حکومت کردند، خداوند شب قدر را قرار داد تا جبران آن هزار ماه باشد). در کافی به سند خود از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی عمیر، از عمر بن اذینه، از فضیل، و زراره، و محمد بن مسلم، از حمران روایت کرده که از امام باقر (علیه السلام) از این کلام خدا که می فرماید «انا انزلناه فی لیلہ مبارکہ» پرسیده، فرمود: بله، منظور شب قدر است که هر سال در هر ماه رمضان، در دهه آخر آن تکرار می شود، پس قرآن نازل نشده مگر در شب قدر، هم چنان که خدای تعالی درباره آن می فرماید: «فیها یفرق کل امر حکیم» یعنی در شب قدر هر سال همه امور آن سال که باید تا سال بعد جریان یابد تقدیر می شود، چه خیر و چه شر، چه اطاعت و چه معصیت و چه مولودهایی که باید به عرصه وجود قدم بگذارند و چه اجل ها و رزق ها. پس هر چه که در آن شب برای آن سال تقدیر شود و قضایش رانده شود، آن قضا حتمی است، ولی در عین حال مشیت خدای تعالی در آن دخل و تصرف دارد و چون شب بیست و سوم رمضان می شود، هر امر حکیم در آن تجزیه و تفریق می گردد و آن گاه آن را امضا کرده به دست او می سپارند. من پرسیدم به دست چه کسی می سپارند؟ گفت به دست صاحب تان و اگر این نبود صاحب تان از حوادث آینده خبری نمی داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷).

د) امیرالمومنین (علیه السلام) در همه اعصار بوده اند (با تمامی انبیا بوده اند) و درحقیقت کمک حال همه انبیا بوده اند (أنت مع کل نبی سرأ و معی جهراً). در زمان حضرت علی (علیه السلام)، ایشان رهبر الهی است ولی مردم آمادگی اش را ندارند و ایشان به زور هم نمی خواهند حکومت کنند. (کاشانی، ۱۳۸۳)

ه) نقش صدیقه طاهره (سلام الله علیها) یک نقش کلیدی و تاریخ ساز است که با برهم زدن جریان سقیفه و احقاق حق از حضرت علی (علیه السلام) همراه علی، به مجالس مردمان آن روز سر می زند. با آن ها حرف می زند، فضایل علی را یکایک بر می شمارد، سفارش های پیغمبر را یکایک به یادشان می آورد، با نفوذ معنوی، شخصیت بزرگ انسانی، آگاهی سیاسی، شناخت دقیقی که از اسلام و روح و آرمان های اسلام دارد و بالأخره قدرت منطق و استدلال استوار خویش، حقانیت

علی را ثابت می‌نماید و نشان می‌دهد بطلان انتخاباتی را که شده است. اثبات می‌کند فریبی را که خورده‌اند و آشکار می‌سازد عواقبی را که بر این شتاب‌زدگی سطحی و غافل‌گیری سیاسی بار خواهد شد (شریعتی، ۱۳۸۶)، سپس نوبت صلح حسنی و نرمش قهرمانانه و بعد از آن قیام عاشورا و عبرت‌های تاریخ‌ساز آن است، درحقیقت امام حسین (علیه‌السلام) وارد عرصه عاشورا شدند برای دستگیری از مردم در طول تاریخ و درواقع قیام امام حسین (علیه‌السلام) برای احیای روحیه مسئولیت‌پذیری و ظلم‌ستیزی بود. دعا‌های امام سجاد (علیه‌السلام) نقش ربوبیت و تربیتی دارد، بزرگ‌ترین نقش امام سجاد (علیه‌السلام) این است که تفکر اصیل اسلامی یعنی توحید، نبوت، مقام معنوی انسان، ارتباط انسان با خدا و بقیه چیزها را تدوین کرده است و مهم‌ترین نقش صحیفه سجادیه همین بود. امام سجاد (علیه‌السلام) با خرید غلام به همراه تربیت کردن و آزاد کردن، نقش ادامه تمدن‌سازی را دارند. امام باقر (علیه‌السلام) شروع گسترش معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) است و در ادامه این مسیر نورانی امام صادق (علیه‌السلام) چهار هزار شاگرد داشته است و مبانی و اصول فکری سیاسی را می‌سازد، حتی سنی‌ها را هم می‌سازد. امام موسی (علیه‌السلام)، امام مخیر است بین اینکه خودشان عذاب بکشند یا شیعیان‌شان! حضرت موسی (علیه‌السلام) خیلی وجوهات می‌گرفتند و خیلی سله می‌دادند. هارون اینجا شدیداً احساس خطر و حسادت می‌کند، چون دید جریان امامت دارد قدرت می‌گیرد، تا سطح وزیر هارون (علی بن یقظین) نفوذ داشتند. حضرت موسی (علیه‌السلام) بیشترین فرزند را داشتند و مربی خیلی از این فرزندان امام هشتم بوده است. وقتی مأمون به حکومت می‌رسد می‌خواهد با استفاده از امام کارهایش را پیش ببرد و امام را تحت کنترل داشته باشد، امام (علیه‌السلام) همین طرح مأمون را مهندسی معکوس می‌کنند، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با هجرت به مدینه پایه مدنیت را شکل می‌دهد، بعدها امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) با حضور در کوفه (حجاز و عراق) این جغرافیا را گسترش می‌دهند، سپس حضرت زینب و حضرت رقیه (سلام‌الله‌علیهما) آن‌را به شامات تسری می‌دهند، بعد از آن حضرت رضا (علیه‌السلام) آن‌را به ایران گسترش می‌دهند و پایه‌گذاری جغرافیای شیعه می‌شود. حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) و برادرشان حضرت احمد بن موسی (علیه‌السلام)، باعث ایجاد

رشد فکری در جامعه شیعه بودند (جامعه شیعه رشد یافته، امام هشت ساله جواد(علیه السلام) را می پذیرد). در دوران امام رضا(علیه السلام)، در دوران ایشان تضارب آرا و حضور فلسفه غرب و شرق محاجه علمی و عقیدتی با امام رخ داد. خلفا در دوران ائمه(علیهم السلام) به خصوص در دروان عباسیان همیشه سعی کرده اند وقتی از مقابله رویاروی با مردم عاجز شدند، دست به حيله ریاکاری و نفاق بزنند. امام جواد(علیه السلام) بر این همت گماشتند که این ماسک تزویر و ریا را از چهره مأمون کنار بزنند و موفق شدند. بحث آزاد، میراث اسلامی ماست، بحث آزاد در زمان امام جواد(علیه السلام) به وسیله آن امام بزرگوار با آن شکل نظیف انجام گرفته است، بعد از آن در زمان امام هادی(علیه السلام) رسماً بنی عباس، امام را محبوس کردند؛ به این امام، ابن الرضا(علیه السلام) می گفتند، در زمان امام هادی(علیه السلام) جریان نواب ولایت فقیه شکل می گیرد و در دوران امام حسن عسکری(علیه السلام)، امام حتی حج (ظاهری) هم نرفتند و تمامی موضوعات شیعه از طریق نواب و رابطان با امام صورت می گرفت تا مردم برای دوران غیبت آماده شوند. در دوران غیبت نیز استمرار هدایت امت هم چون ماه پشت ابر ادامه یافت و مبتنی بر توصیه ائمه «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَهُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَيَّ رُوَاهُ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۸۴، اسلامیة). نظریه ولایت فقیه نظریه اصلی برای اداره جوامع اسلامی در این دوران بوده است. در دوران پهلوی، امام(رحمه الله علیه) می گویند مرحوم کاشف الغطا حداقل را گفته است؛ هم سیاست و هم قضا متعلق به فقیه هست و می گویند ولایت فقیه استمرار ولایت رسول الله(صلی الله علیه و آله وسلم) است. امام خمینی(رحمه الله علیه) با طرح ولایت فقیه استمرار این تمدن و سیر تاریخی را شکل دادند (خامنه ای، ۱۳۹۹).

(و) به طور خلاصه این حرکت تمدنی به این شکل قابل طرح است: پیامبران پیشین ← پیامبر خاتم(صلی الله علیه و آله وسلم) ← ائمه معصومین(علیهم السلام) ← عصر غیبت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ← ولی فقیه ← ظهور ← رجعت (وقوفی، ۱۴۰۰)

الزامات تحقق تمدن اسلامی

تمدن اسلامی را از منظر گاه‌های متفاوت می‌توان نگریست. یکی از این منظر گاه‌ها، توجه به الزامات تحقق تمدن اسلامی است؛ به معنای دیگر، آنچه باید به‌عنوان مقدمه و بستر تحقق (به یک معنا قبل از تحقق) دنبال نمود تا از طریق آن‌ها نسبت به شکل‌گیری و استمرار تمدن اسلامی اقدام کرد را الزامات تحقق تمدن اسلامی فرض می‌نماییم.

از منظر آیات و روایات:

الف) نگرش توحیدی: شاید نگرش توحیدی ارائه‌شده توسط قرآن در زمانه‌ای که بیشترین نگرش‌ها، تصویر خداانگارانه از پدیده‌های عالم بوده، نقشی چشم‌گیر و در عین حال متمایزی از دیگر تمدن‌های رقیب داشته است. این امر حتی توانست باورداشتهای عقلانی بشر را توسعه دهد؛ چه بسا همین عنصر، جذاب‌ترین علت بود تا فرهیختگان سرزمین‌های فتح‌شده، خود از باورمندان به آن و حتی خود در زمره چانه‌زنان ماهر و توسعه‌دهندگان آن باشند (مطهری، ۱۳۷۹).

ب) برابری نژادی میان همه اقوام: قرآن با برابردانستن همه ابنای بشر تنها وجه تمایز ایشان را در تقوا و تقرب به خدا دانسته است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.

ج) ساده‌زیستی و مبارزه با اشراف‌گرایی: دین اسلام حتی با مترفین مخالفت جدی دارد. از این واژه و مشتقات آن هشت مورد در قرآن مجید آمده است. اصل این واژه در کلام خدای سبحان و اولیای خدا یاد نشده مگر با ملامت و ملامت. از آنجایی که بسیاری از متنعمان، غرق شهوات و هوس‌ها می‌شوند، واژه «مترفین» در قرآن به معنی کسانی که مست و مغرور به نعمت شده و طغیان کرده‌اند، آمده است و مصداق آن غالباً پادشاهان و جباران و ثروتمندان مستکبر و خودخواه است؛ آن‌هایی که با قیام انبیا به دوران خود کامگی‌شان پایان داده می‌شد و منافع نامشروع‌شان به‌خطر

می افتاد و مستضعفان از چنگال آن‌ها رهایی می یافتند و به همین دلیل با انواع حيله‌ها و بهانه‌ها، به تخدیر و تحمیق مردم می پرداختند و امروزه نیز بیشترین فساد دنیا از همین «مترفین» سرچشمه می گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

د) عدالت محوری و مساوات: ایمان عمیق قلبی و عملی به اصل عدالت و گام سپردن در شاهراه دادگری در میدان‌های گوناگون زندگی، از اساسی‌ترین علل رشد و تکامل جوامع و پیدایش و شکوفایی تمدن‌هاست. به همین دلیل قرآن موضوع حیاتی عدالت و دادگری را طرح نموده و برای تحقق همه‌جانبه و حقیقی آن در زندگی جوامع، تمدن‌ها و نظام‌ها سخت می کوشد و در رابطه با ظلم و ستم، انحراف، انحصار، استبداد، فتنه، تباهی و دین‌گریزی سخت هشدار می دهد. خداوند در قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ، إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات؛ ۱۳)؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست) (کرمی فریدونی، ۱۳۸۵).

ه) مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه: دین اسلام و تمدن برگرفته از این جهان‌بینی بعد از ظهور در شبه جزیره عرب، نه تنها در آن منطقه، بلکه در گستره جغرافیایی وسیعی با بسیاری از سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی حاکم، به مبارزه پرداخت تا آنجایی که بسیاری از این سنت‌ها به طور کلی در جامعه به فراموشی سپرده شدند.

از جمله این سنت‌ها که در قرآن با آن و امثال آن به مبارزه پرداخته شده است، حمی و استثنائات است که به نفع جمعی و به ضرر گروهی از مردم است. این سنت که در زمان جاهلیت مرسوم و متداول بوده است، بسیاری از امتیازات را به طبقه ثروتمند جامعه در آن زمان می داد و دیگران از حقوق اقتصادی، مالی و ... خود محروم می ماندند، از این رو است که گفته می شود این سنت‌های غلط اجتماعی مانعی برای عدم تأمین رفاه مطلوب به شمار می آیند (تقی‌نیا و صوفی، ۱۳۹۳).

و) اخلاق‌گرایی: تأکید اسلام به اخلاق انسانی یکی دیگر از شاخص‌ها و عوامل بقا، رشد و تعالی تمدن بشری به شمار می آید. در روایتی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که

ایشان در مورد فلسفه بعثت خویش چنین فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶۷، ص ۳۷۲)؛ برای اتمام مکارم و فضایل اخلاقی مبعوث شدم. در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) این معنا با صراحت بیشتری آمده است: «ان البر و حسن الخلق یعمران الدیار و یزیدان فی الاعمار»؛ نیکوکاری و حسن اخلاق، خانه‌ها (و شهرها) را آباد و عمرها را زیاد می‌کند (تقی‌نیا و صوفی، ۱۳۹۳).

ز) تعقل و اندیشه‌ورزی: اسلام دین تفکر، تعمق و تعقل است. در اسلام تفکر و تعقل، بن‌مایه و چشمه جوشان دانش محسوب می‌شود و چنان جایگاه رفیعی دارد که به شکل استفهام انکاری در سیزده آیه «أفلا تعقلون» و در هفده آیه «أفلا تتفكرون» آمده است. از نظر قرآن عقل موهبتی الهی است که آدمی را به سوی حق هدایت کرده و از گمراهی نجات می‌دهد و منظور از عقل در قرآن، ادراکی است که در صورت سلامت فطرت، به‌طور تام برای انسان حاصل می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۶۳).

ح) علم و دانش‌اندوزی: یکی از شاخص‌های تمدن اسلامی، ارج نهادن به علم‌آموزی و عالمان است. در قرآن کریم برای علم‌آموزی و علما و دانشمندان، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های تمدن اسلامی، جایگاهی بس رفیع و ارزشمند ذکر شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله؛ ۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وقتی به شما گفته می‌شود در مجالس به یکدیگر جا بدهید، جا دهید تا خدا هم جای شما را در بهشت وسعت دهد و وقتی هم گفته می‌شود برخیزید تا شخص محترمی بنشیند، برخیزید. خدای تعالی مؤمنین را به یک درجه و علم‌داده‌شدگان را به چند درجه برتری داده و خدا بدانچه می‌کنید با خبر است.

در تمدن اسلامی، دانایان با نادانان برابر نیستند؛ «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر؛ ۹)؛ آیا کسی که در اوقات شب در حال سجده و ایستاده به عبادت مشغول است و از

آخرت می ترسد و امیدوار به رحمت پروردگار خویش است، مانند از خدا بی خبران است؟ بگو آیا آن‌ها که می‌دانند و آن‌ها که نمی‌دانند، یکسانند؟ هرگز! ولی تنها کسانی متذکر می‌شوند که خرد داشته باشند.

کسب علم از نگاه رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) به اندازه‌ای ارزش دارد که برای آن باید راه دور و دراز را تحمل نمود، طوری که می‌فرماید: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (کنز العمال، ۱۳۵)؛ دانش را فراگیرید، گرچه در چین باشد؛ زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۹۲).

جدول ۲. الزامات مورد نیاز تحقق تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)

عمل به اسلام و قرآن	الزامات مورد نیاز تحقق تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)
پیوند دین و سیاست	
تأسیس حکومت مبتنی بر ولایت فقیه	
حفظ استقلال مسلمانان و نفی سلطه مستکبران	
آزادی از قید و بند فکری تمدن غرب	
استعمارزدایی	
وحدت مسلمین	

جدول ۳. الزامات مورد نیاز تحقق تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

کار و تلاش جهادی مستمر	الزامات مورد نیاز تحقق از دیدگاه رهبری
حاکمیت نگاه اجتهادی و عالمانه	
حفظ وحدت	
ایثار و فداکاری فردی و اجتماعی	
دشمن شناسی	
همدلی آحاد مردم	
استقلال در همه ابعاد	
نیروی انسانی کارآمد و تمدن ساز	

نهیضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری	الزامات مورد نیاز تحقق از دیدگاه رهبری
توجه همه‌جانبه به صرفه‌جویی	
انس با قرآن	
تمسک و توسل مداوم و مستمر	
مبارزه و اصلاح ویژگی‌های منفی فردی و اجتماعی (تبلی، سستی، جاه‌طلبی)	
پیروی نکردن از غرب	

سایر الزامات تحقق

درخصوص سایر الزامات تحقق تمدن اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) لزوم توجه به امام: نعمت اصلی خدا به بندگانش پیامبر و امام است. در حقیقت در آیه ۱۰ سوره تکوین «لتستلن یومئذ عن النعیم»، مقصود از این نعیم آب و خوراک نیست، بلکه امام است؛ چنانکه امام صادق (علیه‌السلام) در مناظره با ابوحنیفه می‌فرماید: «مقصود از نعیم، نعمت دوستی ما خاندان رسالت است» (بحار الأنوار، جلد ۱۰، صفحه ۲۲).

ب) رهبر: در هر جامعه یک رکن مهم است، این رکن مهم برای تمدن‌سازی بایستی ویژگی‌های ذیل را داشته باشد:

- افق فکری‌اش در افق امام باشد.
- تسلیم باشد؛ هم در رأی هم در قلب و هم در عمل.
- مؤمن وقتی می‌تواند رهبر گروهی شود که نور ایمان داشته باشد چون رهبر قرار است انسان‌ها را به عبودیت برساند
- رهبر بالای تشکیلات نیست بلکه در گلوگاه تشکیلات است، محل رجوع است، رأس هرم نیست.
- رهبر در جامعه اسلامی یعنی ولایت فقیه؛ ولایت فقیه، کارخانه انسان‌سازی است، آقای قاضی، آیت‌الله بهجت را ساخت؛ امام با کارخانه و دانشگاه دفاع مقدس هزاران آیت‌الله

بهبخت ساخت.

- هنر رهبر جامعه اسلامی ایجاد این بستر رشد برای جامعه است (عاشورا باید باشد که حرّ پرورش پیدا کند) (وقوفی، ۱۴۰۰).

ج) مدیریت:

- مدیر همه‌جای سازمان باید باشد؛ اما ظهور مدیر بودن نداشته باشد.
- مدیر تشکیلاتی باید مثل قند در چای حل شود. مثل جنگ هر جای لشکر را نگاه می‌کنی انگار همه‌جا هست؛ اما کسی تشخیص نمی‌دهد، یعنی هر جا لازم است باشد، دست‌شویی شستن لازم بود، هست؛ کار بود، هست؛ هر جا کار باشد هست، منم‌منم هم نمی‌زند و دنبال اثبات خودش نیست.
- مدیر اسلامی بایستی سعه صدر داشته باشد.
- مدیر اسلامی بایستی اخلاق اسلامی داشته باشد.
- مدیر اسلامی بایستی برون‌گرا باشد. (وقوفی، ۱۴۰۰)

د) هدف: اولویت با هدف است.

- تعیین هدف بر مبنای مفهوم «لتبین الناس» که این تبیین، بایستی توسط مفسر قرآن صورت پذیرد. مفسر قرآن بر مبنای مفاهیم قرآن و حدیث، باید هدف را تعیین کند که این مفسر مبتنی بر حدیث «فارجعوا الی رواه احادیثنا» رهبر و ولی فقیه است.
- تعیین مسیر که همان صراط است، صراط ملائک و مسیر رسیدن به هدف است. در روایتی امام ششم (علیه‌السلام) فرمودند: «والله نحن الصراط المستقیم» به خدا قسم ما صراط مستقیم هستیم. حضرت علی (علیه‌السلام) فرموده است: «أنا صراط الله المستقیم...» من صراط مستقیم هستم (ابن بابویه قمی، معانی الاخبار) و از امام صادق (علیه‌السلام) روایت است که فرمود: «الصراط المستقیم امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام)» (حویزی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲).

- ه) نظام (داشتن چارچوب کلی): «نظم امرکم» حضرت آیت الله خامنه‌ای در تفسیر و معنای حدیث و توصیه مرتبط با «نظم امرکم» می‌فرمایند: همه مخاطب کلام امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاه‌والسلام) هستیم. می‌فرماید «همه شما را توصیه می‌کنم. به چه چیز؟ «بتقوی الله». مجدداً «تقوا». اولین و آخرین کلمه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تقواست. به دنبال آن: «و نظم امرکم». نظم امرتان. یعنی چه؟ یعنی همه کارهایی که در زندگی می‌کنید، منظم باشد؟ معنایش این است؟ ممکن است معنایش این هم باشد. نفرمود «نظم امورکم». کارهایتان را منظم کنید. نفرمود «نظم امرکم». آن چیزی که باید منظم و محکوم نظم و انضباط باشد، «یک چیز» است. «نظم امور» نفرموده است. فرموده است: «نظم امرکم». انسان می‌فهمد این نظم امر، عبارت از امری مشترک بین همه است. به نظر من می‌رسد که «نظم امرکم» عبارت از اقامه نظام و حکومت اسلامی و ولایت اسلامی باشد. معنایش این است که با قضیه حکومت و نظام، منطبق با نظم و انضباط رفتار کنید و بلبشو نباشد». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳/۱۲/۱۳۷۲).
 - نظامات در سطح ملی از یک سو در نظامات حکومتی متبلور است و در بعد اجتماعی در «هیئات مذهبی»، «گروه‌های جهادی» و ... متبلور است.
 - نظامات در سطح منطقه‌ای.
 - نظامات در سطح جهانی (وقوفی، ۱۴۰۰)
- و) وطن:
- و اوطان تعبدک طائعه: وطن ما کربلاست.
 - این وطن مصر و عراق و شام نیست این وطن جایی است کان را نام نیست.
 - یکی از اسرائیلیات، تعلق به خاک است، همشهری بازی و ساختار بازی است (وقوفی، ۱۴۰۰).

ز) توجه به دست یابی به ملک کبیر: «إِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا»؛ و هنگامی که آن جا را می نگری، نعمت ها و ملک عظیمی را می بینی.

- روایتی از امام صادق (علیه السلام) است. آن حضرت در این باره فرمود: «و مُلْكًا كَبِيرًا، لا يزول و لا يفنى» به عبارتی مراد از ملک کبیر، ملکی همیشگی و ابدی است در به دست آوردن آرزوها؛ به معنای ملک دائمی و ابدی و توأم با تحقق تمام آرزوها است.
- ملک کبیری که به تعبیر پیامبر اسلام، بالاتر از ملک سلیمان است.
- ملک کبیر متعلق به اهل بیت (علیهم السلام) است (وقوفی، ۱۴۰۰).

ح) بلد:

- در تمدن اسلامی هم تمدن معنوی داریم هم تمدن مادی؛ یعنی در تمدن مادی مابه ازای تمدن معنوی، فیزیک هم باید تغییر کند.
- در بلد طیب: خانه سالمندان نداریم، مهد کودک نداریم.
- در مقابل بلد طیب و بلد امین، وادی تیه قرار دارد.
- بلدی که رکنش امام است، از فیزیک و ظاهرش تا باطنش، باید ما را به امام برساند (وقوفی، ۱۴۰۰).

عوامل انحطاط تمدن اسلامی (روی دیگر سکه)

پس از بررسی الزامات تحقق تمدن اسلامی، باید به عوامل انحطاط آن نیز توجه کرد. در این نگاه، از روی دیگر سکه به موضوع الزامات نگرسته می شود. درحقیقت اگر در بخش الزامات بیان شد که چه عواملی باعث شکل گیری تمدن اسلامی می شود، در اینجا به عواملی پرداخته می شود که مانع تحقق تمدن اسلامی خواهد بود.

جدول ۴. عوامل بازدارنده از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه) (زمانی، ۱۳۹۵)

گرایش‌های جاهمی و تحجر	عوامل بازدارنده از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)
برداشت نادرست از مفاهیم دینی	
تفرقه و ملی‌گرایی	
استعمار و سرسپردگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی	
دوری و بی‌خبری از مبانی و اصول اسلام	
جدایی دین از سیاست	
فسادهای اخلاقی و اجتماعی	

موانع تحقق تمدن اسلامی از دیدگاه شهید مطهری

الف) تحریف تعالیم اسلام: شهید مطهری تحریف و دگرگونی تعالیم اسلام و واژگون جلوه‌دادن آنها را یکی از عوامل عقب‌ماندگی و انحطاط تمدن اسلامی برمی‌شمارد. او تأکید دارد که بررسی و دقت در تاریخ صدر اسلام، اصول اعتقادی، روح آیین و شریعت اسلامی، معرف تعالیم سازنده و اعتلاآفرین آن است.

در صدر اسلام، ماهیت اسلام موجبات پذیرش افراد زیادی را فراهم ساخت. افراد زیادی که از نژادهای مختلف مردم جهان بودند. این خاصیت پیشرفت، ویژه مسلمانان صدر اسلام نبوده؛ بلکه در هر زمان و دوره تاریخی که مسلمانان تعالیم اسلام را به شکل واقعی و قلبی، باور و به دستورات آن عمل نمایند، موجب رشد، تکامل و خروج از رکود و عقب‌ماندگی خواهد شد. ایشان معتقد است که به تدریج با ورود باورهای غلط و تلقی نادرست مسلمانان از اسلام و اندیشه اسلامی، زمینه دگرگونی و تحریف ارزش‌های مکتبی فراهم گردید. به عبارت دیگر، به جای حقیقت و روح اسلام، شکل تحریف‌شده‌ای جایگزین آن شد و در نتیجه، اسلامی بی‌اثر و فاقد قدرت انقلابی رواج یافت.

ب) فراموشی عدالت اسلامی: از نظر شهید مطهری، اصل عدالت و عدالت اجتماعی، به لحاظ حفظ حرمت حقوق انسان‌ها، بسیار مقدس و محترم است. وی تأکید دارد که اسلام بزرگ‌ترین

منادی عدل، مساوات، آزادی و الغاکننده امتیازات غلط اجتماعی بوده است و چنانچه دین مزبور به اصلاحات اجتماعی همت نمی‌گماشت، هرگز از دستورها و پیام‌های اخلاقی خود نتیجه لازم را به‌دست نمی‌آورد. لیکن پس از مدت کوتاهی از دوران حیات نبی مکرم اسلام (با وجود تأکید فراوان آن حضرت و آیات قرآن بر تحقق عدالت، انواع بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها پدید آمد و با تأثیرگذاری منفی در روح، اخلاق و رفتار افراد، زمینه دزدی، محرومیت، رشوه‌گیری، خیانت و تقلب را در جوامع اسلامی فراهم ساخت. شهید مطهری در بیان دلایل دورشدن جوامع اسلامی از عدالت، به چند عامل مؤثر اشاره می‌نماید. او برخی از زمامداران مسلمان از جمله خلفای اموی و عباسی را به‌لحاظ سوءنیت و نداشتن شایستگی‌های لازم، زمینه‌ساز و باعث انواع تبعیض‌ها و تضادهای طبقاتی معرفی می‌کند.

ج) افول عقل‌گرایی: یکی دیگر از عوامل و زمینه‌های ضعف و انحطاط تمدن اسلامی از نظر شهید مطهری، افول عقل‌گرایی و مبارزه با عقلانیت است. ایشان معتقد است که در آموزه‌های دین اسلام، عقل (حجت باطن) در کنار پیامبران (حجت‌های الهی) قرار دارد؛ به طوری که درباره جایگاه عقل و اهمیت آن، در متون اسلامی به‌ویژه آثار شیعی، احادیث فراوانی موجود است. از آنجا که امر به تفکر پیرامون خلقت و کسب معلومات صحیح، همواره مورد عنایت قرآن کریم بوده، دین اسلام نیازمند به علم کلامی است که به حریت عقل و روش عقلانی، ایمان و اعتقاد راسخ داشته باشد. شهید مطهری، سیاست‌های غیرمنطقی برخی از خلفا در تقابل با عقل‌گرایی را یکی از عوامل افول اندیشه می‌دانست (دوره ظهور اشاعره).

د) تحجر و جمود: در اندیشه شهید مطهری اگر مسلمانان صدر اسلام، مبتلا به رخوت، تبری از دنیا، لاقیدی، راحت‌طلبی و خراباتی‌گری بودند، هرگز قدرت ایجاد چنان جنبش و تحول بزرگی در مناطق وسیعی از جهان و همچنین ایجاد تمدنی کم‌نظیر را به‌دست نمی‌آوردند. لیکن به تدریج با رسوخ تحجر و جمود، گرایش مسلمانان و جوامع اسلامی به کمال و سعادت متوقف شد. متحجران با توسل به آموزه‌های متحجرانه و توقف تفکر و تعقل، موجبات رکود و فقر اندیشه را در فرهنگ و تمدن اسلامی فراهم ساختند. از نظر استاد مطهری یکی دیگر از مصادیق عینی و

عملی جمود، خوارج بودند؛ گروهی که به دلیل جهل و ناآگاهی به معارف و مسائل اسلامی، در رواج قشری گری و مقدس‌مآبی در تاریخ اسلام نقش مؤثری ایفا کردند. آنان با تکفیر و تفسیق دیگر مذاهب و فرقه‌های اسلامی، ضرباتی کوبنده به جامعه اسلامی وارد نمودند.

ه) غفلت و رهاکردن علم: شهید مطهری در علل رکود و عقب‌ماندگی علمی مسلمانان و جوامع اسلامی، دلایل و عوامل متعددی را دخیل و مؤثر می‌داند. بی‌توجهی مسلمانان به دستورها و تأکید فراوان اسلام به علم‌آموزی از جمله علل مهم عقب‌ماندگی مسلمانان است. بخشی از مسلمانان به جای تلاش برای مجهز شدن به سلاح علم، بیشترین همت و توجه خود را به این معطوف نمودند تا کسب ثواب کنند.

و) اختلاف و تفرقه: از منظر شهید مطهری، ایمان و عقیده، مهم‌ترین عامل پیوند قلوب انسان‌ها در مکتب اسلام محسوب می‌شود. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز با تأکید به همین اصل (وحدت در عقیده) و ازمیان برداشتن موانع وحدت، زمینه وحدت را در میان پیروان و در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های الهی‌اش فراهم ساخت. شهید مطهری یکی از عوامل مهم در عقب‌ماندگی و انحطاط مسلمانان را اختلافات مذهبی، فرقه‌ای و رسوخ توهّمات بی‌جا در میان آنان می‌داند؛ موضوعی که موجب گردیده تا بیشترین وقت و توان مسلمانان، به نزاع با یکدیگر به جهت سوء تفاهمات خوب ادراک‌نشده و بی‌جا صرف شود. مخالفان و دشمنان جهان اسلام، به خصوص استعمار نیز برای رسیدن به اهداف شوم خود، بر این بدبینی‌ها و اختلافات دامن زدند.

ز) تحقیر عمل: با توجه به جوانب مختلف آموزه‌های اسلامی (قرآن و سنت) درمی‌یابیم که دین مبین اسلام، دین عمل است. مسلمانان صدر اسلام، با اعتقاد کامل به تأثیر عمل در سعادت انسان، جنبش و تحرک فوق‌العاده‌ای از خود به نمایش گذاشتند.

ح) برداشت‌های اشتباه از دین: شهید مطهری به‌عنوان یک فقیه و فیلسوف مسلمان با مشاهده برخی برداشت‌های ناصحیح از دین، تلاش کرد مفاهیم دینی را بازخوانی یا به تعبیری بازسازی کند. یکی از مسائل اعتقادی مهم که برداشت اشتباه در آن، منشأ انحرافات و آسیب‌های زیادی شد، مسئله قضا و قدر الهی است. شهید مطهری معتقد است که امروزه مسلمانان نسبت به قضا و

قدر دچار سوء برداشت شده اند، در حالی که در صدر اسلام، شناخت صحیحی نسبت به این موضوع میان مسلمانان وجود داشت.

نتایج تمدن اسلامی

پس از بررسی موانع تحقق تمدن اسلامی، لازم است که به نتایج آن نیز اشاره گردد. در این منظرگاه آنچه حاصل از تحقق تمدن است بررسی می شود؛ به معنای دیگر آنچه پس از تحقق تمدن اسلامی به عنوان دستاورد آن حاصل خواهد شد، بیان می گردد.

جدول ۵. نتایج تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)

حاکمیت ارزش ها	نتایج تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)
حاکمیت مقتدر الهی	
امنیت	

جدول ۶. نتایج تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

عدالت اجتماعی و ریشه کن شدن فقر	نتایج تمدن اسلامی از دیدگاه رهبری
دفاع از مظلوم	
تأمین سعادت دنیوی و اخروی	
بهادادن به کرامت و عزت زنان	
بهادادن به بنیان خانواده	
فراگیر شدن فرهنگ اسلامی	
اقتدار همه جانبه (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)	
ایجاد رفاه عمومی	
اقتصاد فعال و پررونق و در عین حال بدون تکاثر	
مردمی بودن حکومت ها	
برداشته شدن مرزها و تبدیل ملت ها به امت	

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و تفسیری بوده و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و فراتحلیل کیفی، در گام اول نسبت به بررسی نظریات و موارد بیان‌شده در سه دسته اصلی پرداخته است. دسته اول؛ الزامات و مبانی تحقق تمدن اسلامی، دسته دوم؛ موانع تحقق تمدن اسلامی و دسته سوم؛ نتایج تحقق تمدن اسلامی است و که در کنار آن، گام‌های تحقق تمدن اسلامی را نیز طرح نموده است. در بخش الزامات از دیدگاه اندیشمندان و منابع بررسی‌شده در چهار دسته (آیات و روایت: ۹ مضمون، دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه): ۷ مضمون، دیدگاه مقام معظم رهبری: ۱۴ مضمون و سایر دانشمندان: ۶ مضمون) شناسایی و کدگذاری گردیدند؛ سپس این موارد تلخیص و یکپارچه گردیده و تبدیل به ۲۸ مضمون یکپارچه و مشترک در سه حوزه عملکردی (به شرح جدول ۸) گردیدند. در بخش بعدی موانع تحقق تمدن اسلامی از دیدگاه دو اندیشمند و استاد (امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه): ۷ مضمون و شهید مطهری: ۸ مضمون) شناسایی و دسته‌بندی گردید. این دو بخش (به‌عنوان دو روی یک سکه) در قالب دسته‌بندی و تلخیص مفهومی مجدد از ۴۳ مضمون تبدیل به ۲۹ مضمون مشترک گردیدند. برای تکمیل این فرآیند نتایج تحقق تمدن اسلامی از منظر دو اندیشمند (امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه): ۳ مضمون و مقام معظم رهبری: ۹ مضمون) شناسایی و دسته‌بندی گردید و در نهایت در قالب یک فراتحلیل، موارد احصاشده در هر بخش شاخص‌های نهایی را در هر دسته ارائه نموده است.

یافته‌های پژوهش

الف) استنتاج و تحلیل در خصوص الزامات تحقق تمدن اسلامی:

جدول ۷. الزامات تحقق تمدن اسلامی از دیدگاه‌های مختلف

سایر اندیشمندان	از دیدگاه مقام معظم رهبری	از دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)	از منظر آیات و روایات
لزوم توجه به امام به عنوان محور	کار و تلاش جهادی مستمر	عمل به اسلام و قرآن	نگرش توحیدی
	حاکمیت نگاه اجتهادی و عالمانه		
	حفظ وحدت	پیوند دین و سیاست	برابری نژادی میان همه اقوام
ایثار و فداکاری فردی و اجتماعی			
داشتن رهبر واجد شرایط	دشمن شناسی	تأسیس حکومت مبتنی بر ولایت فقیه	ساده‌زیستی و مبارزه با اشراف‌گرایی
	همدلی آحاد مردم		
مدیریت اسلامی	استقلال در همه ابعاد	حفظ استقلال مسلمانان و نفی سلطه مستکبران	عدالت محوری و مساوات
	نیروی انسانی کارآمد و تمدن‌ساز		
توجه به هدف‌گذاری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی	نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری	آزادی از قید و بند فکری تمدن غرب	مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه
	توجه همه‌جانبه به صرفه‌جویی	انس با قرآن	استعمارزدایی

تصویر مطلوب تمدن اسلامی، الزامات و نتایج حاصل از تحقق آن

سایر اندیشمندان	از دیدگاه مقام معظم رهبری	از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)	از منظر آیات و روایات
توجه به بلد امن و طیب	تمسک و توسل مداوم و مستمر	استعمارزدایی	تعقل و اندیشه‌ورزی
توجه به نظام‌سازی و تشکیلات مبتنی بر چارچوب‌های اسلامی	مبارزه و اصلاح ویژگی‌های منفی فردی و اجتماعی (تبلی، سستی، جاه‌طلبی)	وحدت مسلمین	علم و دانش‌اندوزی
	پیروی نکردن از غرب		

جدول ۸. تلخیص و یکپارچه‌سازی شاخص‌های تحقق تمدن اسلامی

دسته‌بندی	موارد مشابه	موارد اولیه
ویژگی‌های فکری و اعتقادی	نگرش توحیدی	
	ساده‌زیستی و مبارزه با اشراف‌گرایی	
	عدالت‌محوری و مساوات	
	اخلاق‌گرایی	
	حاکمیت نگاه اجتهادی و عالمانه	تعقل و اندیشه‌ورزی
	پیروی نکردن از غرب	آزادی از قید و بند فکری تمدن غرب
	لزوم توجه به امام به‌عنوان محور	
برنامه عملیاتی (توصیه‌های لازم‌الاجرا در ابعاد فردی و اجتماعی)	نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری	علم و دانش‌اندوزی
	مبارزه با سنت‌های غلط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه	
	عمل به اسلام و قرآن	
	پیوند دین و سیاست	
	توجه همه‌جانبه به صرفه‌جویی	

دسته بندی	موارد مشابه	موارد اولیه
برنامه عملیاتی (توصیه های لازم الاجرا در ابعاد فردی و اجتماعی)	حفظ استقلال مسلمانان و نفی سلطه مستکبران	
	استقلال در همه ابعاد	استعمارزدایی
	حفظ وحدت و همدلی آحاد مردم	وحدت مسلمین
	دشمن شناسی	
	کار و تلاش جهادی مستمر	
	ایثار و فداکاری فردی و اجتماعی	
	انس با قرآن	
	تمسک و توسل مداوم و مستمر	
ویژگی های سیستمی و فرآیندی	تأسیس حکومت مبتنی بر ولایت فقیه	
	نیروی انسانی کارآمد و تمدن ساز	
	مبارزه و اصلاح ویژگی های منفی فردی و اجتماعی (تنبلی، سستی و جاه طلبی)	
	داشتن رهبر واجد شرایط	
	مدیریت اسلامی	
	توجه به هدف گذاری مبتنی بر ارزش های اسلامی	
	توجه به بلد امن و طیب	
	توجه به نظام سازی و تشکیلات مبتنی بر چارچوب های اسلامی	

ب) استنتاج و تحلیل در خصوص موانع تحقق تمدن اسلامی:

جدول ۹. تطبیق موانع تحقق تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه) و شهید مطهری

از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)	از دیدگاه شهید مطهری
گرایش های جاهلی و تحجر	تحریف تعالیم اسلام
برداشت نادرست از مفاهیم دینی	فراموشی عدالت اسلامی

از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)	از دیدگاه شهید مطهری
تفرقه و ملی گرایی	افول عقل گرایی
استعمار و سرسپردگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی	تحجر و جمود
دوری و بی خبری از مبانی و اصول اسلام	غفلت و رها کردن علم
جدایی دین از سیاست	اختلاف و تفرقه
وحدت مسلمین	تحقیر عمل
	برداشت های اشتباه از دین

با بررسی و تحلیل متقابل عوامل انحطاط در مقابل عوامل زمینه ساز، تمامی شاخص ها در بخش الزامات به معنای مثبت آن بیان شده است و صرفاً موضوع تحقیر عمل به وضوح بیان نگردیده که با عنوان شاخص عمل گرایی، به جدول شماره سه ذیل دسته ویژگی های سیستمی و فرآیندی اضافه می گردد.

ج) نتایج تحقق تمدن اسلامی:

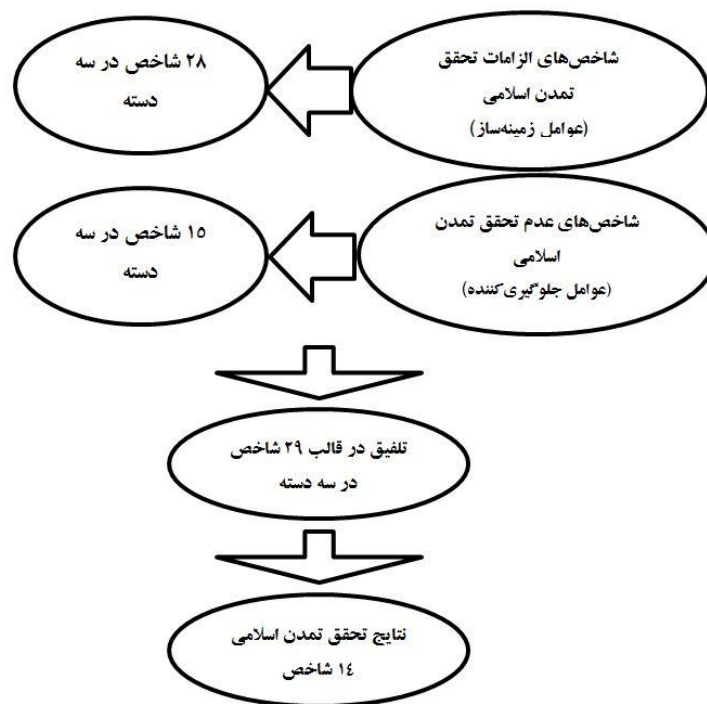
جدول ۱۰. تطبیق نتایج تحقق تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه) و مقام معظم رهبری

از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)	از دیدگاه مقام معظم رهبری
حاکمیت ارزش ها	عدالت اجتماعی و ریشه کن شدن فقر
	دفاع از مظلوم
	تأمین سعادت دنیوی و اخروی
	بهادادن به کرامت و عزت زنان
حاکمیت مقتدر الهی	بهادادن به بنیان خانواده
	فراگیر شدن فرهنگ اسلامی
	اقتدار همه جانبه (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)	از دیدگاه مقام معظم رهبری
امنیت	ایجاد رفاه عمومی
	اقتصاد فعال و پررونق و در عین حال بدون تکاثر
	مردمی بودن حکومت‌ها
	برداشته شدن مرزها و تبدیل ملت‌ها به امت

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و تبیین و تحلیل‌های مرتبط با شاخص‌ها در دسته‌های بیان شده، مدل ذیل به عنوان جمع‌بندی و نتیجه تحقیق قابل ارائه است:



شکل ۱. مدل جمع‌بندی و نتیجه پژوهش

منابع

- احمدی کجایی، مجید (۱۳۹۴)، تمایز مبانی تمدن مهدوی با تمدن غرب و عوامل بستری آن، پژوهش‌های مهدوی.
- اکبری، مرتضی؛ رضایی، فریدون (۱۳۹۴)، واکوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دوفصل‌نامه الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت.
- بrazش، علیرضا (۱۳۹۶)، تفسیر اهل بیت (علیهم‌السلام)، جلد ۱۸، تهران: امیرکبیر.
- بلاذری، احمدبن یحیی (۱۳۷۶)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.
- بودریار، ژان (۱۳۷۸)، سرگشتگی نشانه‌ها، ترجمه مانی حقیقی، تهران: نشر مرکز.
- تقی‌نیا، الهام؛ صوفی، نصیر (۱۳۹۳)، شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات، فصل‌نامه پژوهش‌های اجتماعی - اسلامی، ۳(۳).
- جعفری، محمدتقی (۱۳۵۹)، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۱)، دانش‌نامه حج، مجله میاقت حج.
- خامنه‌ای، سیدعلی (دام عزه‌العالی) (۱۳۹۹)، انسان دویست و پنجاه ساله، قم: نشر صهبا.
- خاتمی، سیداحمد (۱۳۸۲)، امامان معصوم ارکان جهان هستی، مجله پاسدار اسلام.
- خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی انقلاب اسلامی، فصل‌نامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی.
- درزی، علی (۱۳۹۹)، بررسی دلایل انحطاط تمدن اسلامی، نشریه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی.
- دورانت، ویل (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- ره‌دار، احمد (۱۳۹۳)، تأمل در امکان، مفهوم و ماهیت تمدن اسلامی در عصر غیبت، فصل‌نامه علمی - پژوهشی فلسفه و الاهیات.
- زمانی‌محبوب، حبیب (۱۳۹۵)، بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، پژوهش‌های سیاست اسلامی.
- شریعتی، علی (۱۳۸۶)، فاطمه، فاطمه است، مشهد: سپیده باوران.
- صدر، محمدباقر (۱۳۹۳)، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سیدجمال موسوی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، تفسیرالمیزان، جلد ۸، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری نشر فرهنگی رجا و انتشارات امیرکبیر.

- عبدعلی بن جمعه العروسی حویزی (بی تا)، تفسیر نورالثقلین، جلد ۱، قم: انتشارات اسماعیلیان. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی، جلد ۱، تهران: انتشارات اشجع.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)، فصلنامه تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی.
- فوزی، یحیی؛ صنم زاده، محمود رضا (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، ۳ (۹).
- کاشانی، ملافتح الله (۱۳۸۳)، زبده التفاسیر، جلد ۷، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- کرمی فریدونی، علی (۱۳۸۵)، ظهور و سقوط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن، قم: نسیم انتظار.
- مجلسی، محمدتقی (۱۳۸۶)، بحار الأنوار، جلد ۱۰، قم: انتشارات اسلامیه.
- محرمی، غلام حسین (۱۳۸۲)، تاریخ اسلام (نقش انبیا در پیشرفت تمدن بشری)، نشریه صباح.
- مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۸۳)، درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، مجموعه آثار، جلد‌های ۱، ۲، ۳، ۱۵، ۲۱، ۲۲، ۲۴ و ۲۵، تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۶۵)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۹۲)، جلد‌های ۲ و ۲۱، قم: نشر دارالکتب اسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، تفسیر سوره قدر.
- موسوی لاری، سیدمجتبی (۱۳۶۰)، سیمای تمدن غرب، قم: انتشارات اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۱)، صحیفه امام، جلد ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۴)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- وقوفی، امید (۱۴۰۰)، مبانی آینده‌اندیشی اسلامی، جزوات درسی آینده‌اندیشی دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد ۱، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
- بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (دام عزه العالی)، برگرفته از سایت:

The Desired Image of Islamic Civilization, The Requirements and Results of Its Realization

Seyyed Abbas Safavi *, Ali Mohammad Ahmadvand **

Abstract

The issue of civilizations is one of many topics that can accommodate all human sciences, and it can be said that all scientific efforts of man and societies to reach civilization and development are intellectual and social. In fact, civilizations are not formed in a short time and time; on the other hand, each civilization is dependent on allegiances and intellectual foundations that rise and thrive in its context. Each civilization needs to be found and succeeds for basics and requirements that are due to the attention of those principles and principles and compliance with those requirements; On the other hand, for the accompaniment of individuals in addition to the attention of the principles-based principles, at the same time, the perspective of what comes from the realization of civilization will be drawn. In this research, with the aim of identifying and visualizing Islamic civilization and its access frameworks towards reviewing the views and principles expressed among the scholars and verses and Islamic narratives, with the approach of library studies and with content analysis and meta-analysis Quality in the first step towards statistics and categorizing theories in the three main parts (requirements of the realization of civilization, the barriers to the realization of civilization and the results of civilization) have been discussed in the form of a process of processing (inhibition of realization, deterrent factors and deployment results).

Keywords: Civilization, Islamic Civilization, Fulfillment Requirements, Factors of Degeneration.

* Corresponding author: MA in Industrial Engineering, University of Ivan Kay, Tehran, Iran

** Full Professor, Systems Department, University of Ivan Kay, Tehran, Iran